



سید محمد جواد شبیری  
پروفیسر، گاہ علوم انسانی و مطالعات عربی  
پرنال جامع علوم انسانی

## تاریخ حیات شیخ مفید (رضوان الله علیه)



## پیشگفتار

در میان انبوه انسانهایی که به دنیا می آیند و رشد کرده و پس از زمانی می میرند و از یاد می روند، دانشمندان از اندک افرادی هستند که با بر جای گذاشتن آثار و افکار و تربیت شاگردان، محدودیت زمانی را در هم شکسته و در آینده ها نیز زندگی می کنند. در کاروان پر شتاب دانش نیز تمامی رهروان یکسان نیستند. بیشتر دانشمندان، تنها نقش انتقال دهنده افکار گذشتگان به آیندگان را دارند و کارهای آنها در شرح و تفسیر و احیاناً تکمیل و تصحیح و افزودن مطالب جزئی و کوچک در مسائل نه چندان مهم خلاصه می شود و آنها که مسیر تحقیقات علمی را تغییر

داده و نقطه عطفی در تاریخ علم به وجود می آورند بسیار اندکند و پس از گذشت سالها بلکه قرنها به ظهور می پیوندند.

در این میان حوزه رفیع بغداد یکی از شگفت انگیزترین حوادث تاریخ دانش و فضیلت گستری را با ارائه سه عالم برجسته شیعی با شخصیتی مستقل و مکتب فکری توانا و منسجم در کمتر از یک قرن در یک امتداد پیوسته زمانی رقم زده است.

زمینه پیدایش این حوزه قوی، با استقرار نواب اربعه امام عصر عجل الله تعالی فرجه در بغداد، و حضور دانشمندان برجسته چون محمد بن همام اسکافی، و هجرت علمای مهمی بویژه از قم به این شهر، چون کلینی و ابن قولویه و ابن داود قمی فراهم آمد. بی تردید ایجاد حکومت‌های مستقل شیعی بویژه آل بویه در ایران و عراق و حمایت آنها از دانش و دانشمندان و بوجود آمدن فضای نسبتاً باز سیاسی برای طرح مسائل حساس اسلامی از سوی شیعیان، در این امر تأثیر مهمی داشته است. عوامل گوناگون سبب گردید که به تدریج حوزه بغداد با تغذیه از حوزه های شیعی دیگر چون حوزه قم و کوفه و مشرق زمین،<sup>۱</sup> خود جانشین آن حوزه ها شده و در رأس حوزه های علمی عالم تشیع قرار گیرد.

در این میان مصلحی بزرگ و فرزانه ای هوشیار به پاسداری از حق و حقیقت و اسلام راستین و به تجدید بنای حوزه بغداد همت گماشت و سیراب سازی تشنگان را از آبشخور صاف و زلال وحی با جامهای زرینی از علوم و معارف اهل بیت پیامبر، سر لوحه فعالیت‌های خویش ساخت و پس از ۷۷ سال جهاد و مجاهده، ادامه پاسداری از حریم اسلام حقیقی یعنی تشیع را به دو شاگرد خویش

.....

۱ - حوزه مشرق زمین به دست توانای دانشمند مجاهد و با اخلاص محمد بن مسعود عیاشی در سمرقند پی ریزی شد. انبوه شاگردان وی در شهرهای بخارا و کش و سمرقند و دیگر شهرهای مشرق، پاسدار عظمت این حوزه بودند، افسوس که با حمله مغول تمامی آن عظمت و شکوه از بین رفت و جز در لابلای آثار تاریخی بویژه باب آخر رجال شیخ طوسی و رجال کشی، هیچ گزارش روشن کننده ای از این حوزه بر جای نماند و بجز تفسیر ناقص عیاشی و پاره ای آثار دیگر که با انتقال به بغداد باقی ماندند، تمامی میراث غنی فرهنگی این حوزه از بین رفت (فهرست آثار عیاشی را در رجال نجاشی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۷، رقم ۹۴۴ می توان دید).

سپرد.

این سه تن پیشوای متکلمان و فقیهان و رئیس دانشمندان محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید و علی بن حسین موسوی مشهور به سید مرتضی علم الهدی و محمد بن حسن طوسی ملقب به شیخ الطائفه در پی هم، بزرگترین نقش را در باروری حوزه بغداد ایفاء نمودند و آیندگان را تا قرن‌ها پس از خود بلکه تا زمان حاضر و پس از آن وامدار خویش ساختند.

اکنون ما در آستانه هزارمین سال درگذشت چهره نورانی و نامدار حوزه بغداد، شیخ مفید (م ۴۱۳) هستیم و بر آنیم که از فراز قرن‌ها، دریچه‌ای به سوی حیات آن بزرگمرد بگشاییم و با هم دنیایی از تلاش و مجاهده را در راه اعلائی کلمه الله نظاره گر باشیم.

شایان ذکر است که پیشتر در این عرصه، سلسله مقالاتی به استقبال هزاره مفید عرضه داشته و در باره جوانبی که کمتر از آنها سخن گفته اند<sup>۱</sup> مطالبی آوردیم. در این مقال با بهره‌وری از مقالات گذشته و منابعی دیگر به ابعاد مختلف زندگی شیخ مفید نگاهی گذرا می‌افکنیم و از بحثهایی که در مقالات پیشین طرح شده، تنها به ذکر نتایج با چشم‌پوشی از استدلالها اکتفا می‌کنیم.

در این نوشتار بیشتر از زاویه تراجم نگاری متعارف به این بحث می‌نگریم. بدیهی است که تحلیل آراء و افکار مفید بویژه در مقایسه با دانشمندان متقدم و متأخر از وی، به نگارش مقاله‌های دیگر بلکه کتابهای مستقل نیازمند است.

نسبت، ولادت، القاب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شیخ مفید از اعراب اصیل قحطانی بوده و نسب به حارث بن کعب می‌برد<sup>۲</sup> و بدین جهت لقب حارثی یافته است<sup>۳</sup> نیای پنجم وی سعید بن جبیر است که غیر از سعید

.....

۲ - نور علم، شماره‌های مسلسل ۲۳، ۳۴، ۳۷ مقاله «ناگفته‌هایی از حیات شیخ مفید»، و شماره ۴۰ و ۴۲، مقاله «شیخ مفید و کتاب اختصاص».

۳ - رجال نجاشی، رقم ۱۰۶۷.

۴ - امالی مفید، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۳، اول مجلس ۲۳؛ بشارة المصطفی، محمد بن ابی القاسم طبری، مکتبه حیدریه، نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۱۴؛ معالم العلماء، ابن شهر آشوب، الف: نجف، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲؛ ب: مطبعة فردین، تهران، ۱۳۵۳، ص ۱۰۰.

بن جُبَيْر تابعی مفسّر می باشد.<sup>۵</sup>

وی در روز ۱۱ ذی قعدة سال ۳۳۶<sup>۶</sup> در عُكْبَرِي - شهری بر کرانه شرقی دجله در ده فرسینگی بغداد<sup>۷</sup> - در مکانی معروف به سُویقه ابن بصری متولد شد. مردمان زادگاه وی به خردمندی نامبردارند.<sup>۸</sup> برخی مصادر، تاریخ ولادت وی را به سال ۳۳۸ دانسته اند<sup>۹</sup> که نمی باید درست باشد.<sup>۱۰</sup>

پدر مفید شغل معلّمی داشت و بدین جهت فرزندش (مفید) به لقب ابن المعلم مشهور بوده است.<sup>۱۱</sup> عکبری و بغدادی دو لقب دیگر مفید است که از زادگاه و مسکن وی گرفته شده است.

مفید در کودکی به همراه پدر به بغداد آمد و فراگیری علم را در نزد ابو عبدالله حسین بن علی بصری معروف به جُعَل - از شیوخ بزرگ معتزله در عصر خویش و سر آمد در فقه و کلام<sup>۱۲</sup> - آغاز کرد. سپس در نزد ابو یاسر شاگرد متکلم نامی ابوالجیش مظفر بن محمد خراسانی بلخی که ظاهراً طاهر نام داشته<sup>۱۳</sup> به علم آموزی پرداخت. این اطلاعات از کلام ابن ادریس در سرائر و ورام بن ابی فراس در تنبیه الخواطر به دست آمده است.<sup>۱۴</sup>

یاسر در مجلس درس علی بن عیسی رمانی - دانشمند معروف معتزلی مذهب<sup>۱۵</sup> -

.....

۵ - نور علم، شماره ۳۳، ص ۱۳۶ - ۱۳۹ و مقایسه کنید مثلاً با میر حامد حسین، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۴۰۱، ص ۸۱.

۶ - رجال نجاشی، رقم ۱۰۶۷.

۷ - معجم البلدان، یاقوت حموی، دار بیروت و دار صادر، بیروت، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۴۲؛ اللباب، دار صادر، بیروت، ج ۲، ص ۳۵۱؛ میر حامد حسین، ص ۴۳. و نیز اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، مارتین مکدرموت، مؤسسه مطالعات اسلامی، تهران، ۱۳۶۳، ص.

۸ - البلدان، ابن فقیه، بریل، لیدن، ۱۳۰۲، ص ۲۱۰؛ میر حامد حسین، ۴۵.

۹ - فهرست ابن ندیم، تهران، ۱۳۹۳، ص ۲۴۶؛ فهرست طوسی، مکتبه مرتضویه، نجف، ۱۳۵۶، رقم ۶۹۶؛ معالم العلماء، نجف، ص ۱۱۲، تهران، ص ۱۰۰.

۱۰ - نور علم، شماره ۳۳، ص ۱۳۹ - ۱۴۱.

۱۱ - لسان المیزان، ابن حجر، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۶۸.

۱۲ - تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، دارالکتاب العربی، بیروت، ج ۸، ص ۷۳.

۱۳ - رجال نجاشی، رقم ۵۵۲، ۱۱۳۰.

۱۴ - سرائر، ابن ادریس، مؤسسه انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۶۴۸؛ تنبیه الخواطر، ورام بن ابی فراس، مکتبه الفقیه، قم، ص ۳۰۲.

شرکت می‌کند.

در این جلسه مردی از اهل بصره از رمانی می‌پرسد که در باره روز غدیر و روز غار چه می‌گویی؟ او می‌گوید خبر غار درایت است و خبر غدیر روایتی بیش نیست و روایت همسان درایت نمی‌باشد. شخص بصری پاسخی نداده باز می‌گردد. مفید می‌گوید: من از وی پرسیدم که نظر شما در باره کسی که با امام عادل قتال کند چیست؟ گفت: کافر، نه، بلکه فاسق است، گفتم: نظرت در باره امیرمؤمنان چیست؟ گفت: امام است. گفتم: در باره طلحه و زبیر چه می‌گویی؟ گفت: آنها توبه کردند. گفتم: خبر جنگ جمل، درایت است و خبر توبه اینان روایت. در اینجا رمانی در پاسخ درماند او سپس در ضمن نامه‌ای به ابو عبدالله جعل سفارش مفید را بدو نموده و او را به لقب مفید ملقب نموده است.

مرحوم قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین - به نقل از مصابیح القلوب - داستان دیگری شبیه به این ماجرا نقل می‌کند که در آن شیخ مفید با قاضی عبدالجبار معتزلی روبرو شده و وی در این ماجرا از قاضی عبدالجبار لقب مفید می‌گیرد.<sup>۱۶</sup> وقوع هر دو قصه با هم بعید می‌نماید و می‌بایست یکی از آنها تحریف شده دیگری باشد. نقل سرائر و تنبیه الخواطر اصیلتر بوده و درست‌تر می‌نماید.

در این دو گزارش تلقب شیخ مفید به لقب مفید از سوی برخی از علمای عامه آن هم در اوائل عمر - ظاهراً - دانسته شده است ولی این شهرآشوب این لقب را به اشاره امام عصر عجل الله تعالی فرجه دانسته است و تفصیل مطلب را به مناقب آل ابی طالب ارجاع می‌دهد<sup>۱۷</sup> ولی در مناقب موجود در این مورد چیزی دیده نمی‌شود،<sup>۱۸</sup> ظاهراً این شهرآشوب به توقیعات منسوب به امام عصر نظر دارد که

.....

۱۵ - معجم الادباء، یاقوت حموی، دار مأمون، مصر، ج ۱۴، ص ۷۳؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۱۶.

۱۶ - مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری؛ ریاض العلماء، افندی اصفهانی، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۱۷۸.

۱۷ - معالم العلماء، نجف، ص ۱۱۲؛ تهران، ص ۱۰۰.

۱۸ - ممکن است قسمتهایی از مناقب در نسخه موجود نیامده باشد. (رک مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۴).

استاد وی آن را در احتجاج نقل کرده است ولی صرف نظر از بحثهایی که در صحت این توقیعات صورت گرفته، تاریخ صدور آنها در سالهای پایانی عمر مفید بوده و وی ظاهراً پیش از این تواریخ به لقب مفید معروف بوده است.<sup>۱۹</sup>

### مشایخ شیخ

شیخ مفید از کودکی جذب علم و دانش گردیده، برای او در سن پنج سالگی از ابن ابی الیاس (م ۳۴۱) اجازه روایت حدیث گرفته اند.<sup>۲۰</sup> او از ابن سماک (م ۳۴۴) که در هنگام مرگش تنها هفت سال و چهار ماه داشته روایت می کند.<sup>۲۱</sup> وی پیش از دوازده سالگی از چند نفر از محدثان اخذ روایت کرده؛<sup>۲۲</sup> از ابو علی صولی و علی بن بلال مهلبی و ابن جعابی (م ۳۵۵) در حدود ۱۶ سالگی، از شیخ صدوق (م ۳۸۱) قبل از ۲۰ سالگی و از حسن بن حمزه طبری در ۱۸ یا ۲۰ سالگی، حدیث شنیده است.<sup>۲۳</sup>

علاوه بر این دانشمندان، شیخ مفید در نزد متکلمان و فقیهان و محدثان و ادیبان فراوانی به دانش آموزی پرداخته است. وی کلام را باید در نزد مظفر بن محمد ابوالجیش خراسانی و شاگردش ابو یاسر طاهر و احتمالاً علی بن عبدالله بن وصیف ناشی صغیر و ابن جنید اسکافی از متکلمان شیعی و حسین بن علی بصری و علی بن عیسی رمانی از مشایخ معتزله آموخته باشد.

مفید فقه را در نزد جعفر بن محمد بن قولویه آموخت.<sup>۲۴</sup> در میان مشایخ وی

..... پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۹ - در آغاز امالی مفید که در حیات وی نوشته شده و به احتمال زیاد در همان زمان املاء ثبت گردیده از وی با لقب مفید یاد می کند، تاریخ آغاز امالی مفید سال ۴۰۲ می باشد.

۲۰ - امالی شیخ، اوائل جزء ششم: تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۴۴۹؛ نور علم، شماره ۳۳، ص ۱۴۳.

۲۱ - امالی مفید، ص ۳۴۰؛ تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۰۲؛ نور علم، شماره ۳۷، ص ۱۵۷.

۲۲ - امالی مفید ص ۲، ۳، ۱۷، ۳۱، ۹۶؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۸۱؛ رجال شیخ، مطبوعه حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۱؛ فهرست نجاشی اواسط رقم ۷؛ نور علم، شماره ۳۳، ص ۱۴۴ - ۱۴۶.

۲۳ - امالی مفید، ص ۱۰۱، آخر ۱۰۹، ۱۶۵؛ تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۶؛ رجال نجاشی، ارقام ۱۵۰، ۱۰۴۹، ۱۰۵۵؛ فهرست شیخ، رقم ۱۸۴؛ رجال شیخ، ص ۴۶۵؛ عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۱، باب ۶، ح ۲۹؛ نور علم، شماره ۳۳، ص ۱۴۴ - ۱۴۹.

۲۴ - رجال نجاشی، رقم ۳۱۸.

فقه‌های دیگری چون ابن حمزه طبری، ابن جنید اسکافی، ابن داود قمی، صفوانی و شیخ صدوق دیده می‌شوند، ولی معلوم نیست که وی در نزد آنها فقه خوانده باشد. مفید از ادیب مورخ چیره دستی چون محمد بن عمران مرزبانی مؤلف معجم الشعراء در امالی، فراوان روایت می‌کند.

فهرست اساتید و مشایخ مفید در برخی از کتابها آمده، ما پیشتر در باره این فهرستها سخن گفتیم و تا آنجا که می‌توانستیم در تصحیح آنها کوشیدیم و سپس با افزودن مشایخ بسیار دیگری، آن فهرستها را تکمیل کردیم.<sup>۲۵</sup> اکنون بر آنیم که با بهره‌گیری از بحثهای سابق و افزودن چند تن از مشایخ دیگر، فهرست صحیح و کاملتری را از مشایخ مفید ارائه دهیم.<sup>۲۶</sup> سعی خواهیم کرد نامهای مختلف مشایخ را گوشزد نماییم، و در صورت امکان به زمینه فعالیت علمی آنها - به جز حدیث - اشاره کنیم.

پیش از ارائه لیست، لازم به ذکر است که برخی از مشایخ مفید از رجال نجاشی و فهرست و رجال شیخ به دست می‌آید. نجاشی و شیخ هیچ یک از مفید با لقب یاد نمی‌کنند، بلکه تعبیر شیخ طوسی معمولاً الشیخ یا الشیخ ابو عبدالله و تعبیر نجاشی محمد بن محمد می‌باشد. البته در نسخه چاپی فهرست شیخ معمولاً لقب المفید در هنگام ذکر نام مفید دیده می‌شود ولی برخی از نسخه‌های معتبر این کتاب از این کلمه خالی است و به جای آن از کنیه ابو عبدالله استفاده شده است. به هر حال نجاشی از تعابیر دیگری چون محمد (رقم ۲۸۵)، شیخنا ابو عبدالله (رقم ۵۵۲) و شیخنا ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان (رقم ۱۱۳۰) و ابن النعمان (رقم ۱۲۴۶) نیز بهره می‌گیرد.

شیخ طوسی نیز در بسیاری از موارد از تعبیر کامل الشیخ ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان و مانند آن استفاده می‌کند.

در فهرستی که از مشایخ مفید فراهم آورده ایم اساتید مهمتر را با علامت

.....

۲۵ - نور علم، شماره ۳۵، ص ۱۴۶ - ۱۵۸.

۲۶ - مشایخی که در این فهرست افزوده ایم عبارتند از: ابوالحسن رحیمی نحوی، ابوالفرج برقی داودی، جعفر دقاق، علی بن عیسی رمانی.



\* روشن ساخته ایم. مراد از اساتید مهمتر کسانی هستند که مفید از آنها روایت بیشتری دارد و یا در افکار مفید مؤثرتر بوده اند:

۱- ابوالحسن رجبی نحوی، وی شعری را برای مفید نقل کرده است. (امالی مفید، ص ۳۱۶).

۲- ابوالفرج برقی داودی، وی نیز شعری را برای وی خوانده است (امالی مفید، ص ۳۰۹).

۳- ابومحمد (بن) عبدالله بن ابی شیخ (امالی مفید، ص ۲۴۶).

۴- احمد بن ابراهیم بن ابی رافع الصیمری (= ابو عبدالله بن ابی رافع)، (فهرست شیخ، رقم ۳۲، ۱۸۳، ۵۹۱؛ رجال شیخ طوسی، ص ۴۴۵، رقم ۴۱؛ مشیخه تهذیب، دارالکتب الاسلامیه، نجف، ۱۳۷۷، ص ۲۲، ۲۸؛ مشیخه استبصار، همان ناشر، همانجا، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۰۸).

۵- احمد بن جعفر بن سفیان بزوفری (رجال شیخ، ص ۴۴۳، رقم ۳۵).

۶- احمد بن حسین بن اسامه بصری ابوالحسین (امالی مفید، ص ۲۳۸).

۷- احمد بن حمد جرجرائی ابوالحسن (امالی مفید، ص ۳۳۷).

۸- احمد بن محمد بن جعفر صولی ابو علی (امالی مفید، ص ۱۶۵).

۹- احمد بن محمد بن حسن بن ولید قمی ابوالحسن \* (امالی مفید، ص ۱).

وی فرزند ابن ولید قمی (م ۳۴۳) است، مفید از وی با نامهای احمد بن محمد بن حسن و گاه احمد بن محمد یاد می کند و در جلد نخست تهذیب و استبصار نام وی بسیار دیده می شود.

۱۰- احمد بن محمد بن محمد بن سلیمان زراری ابو غالب \* (رجال

نجاشی، رقم ۲۰۱؛ امالی مفید، ص ۲۰) از وی نیز گاه به صورت احمد بن محمد

(رجال نجاشی، ارقام ۱۰۰۵، ۱۲۰۵، ۱۲۱۹) و گاه به صورت زراری (رجال

نجاشی، رقم ۱۱۵۳) یاد می شود.

۱۱- احمد بن محمد بن عیسی علوی زاهد، شریف ابو محمد (امالی شیخ،

جزء ۱۴، ج ۲، ص ۲۶).

۱۲- اسماعیل بن محمد کاتب انباری ابوالقاسم، نحوی ادیب (امالی،

ص ۳۴۸).

۱۳ - اسماعیل بن یحیی عبسی ابو احمد (امالی شیخ، جزء ۶، ج ۱، ص ۱۵۴).

۱۴ - جعفر دقاق، (الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، دارالزهراء، بیروت ۱۴۱۱، ص ۲۳۶ - ۲۳۹).

وی حکایتی را از فضائل و کرامات امیرمؤمنان برای مفید نقل کرده که در بحث از آثار مفید آن را با هم خواهیم خواند.

۱۵ - جعفر بن محمد بن قولویه ابوالقاسم، فقیه محدث \* (رجال نجاشی، ص ۳۱۸؛ امالی مفید، ص ۹).

۱۶ - حسن بن احمد بن صالح همدانی سبیمی حلبی ابو محمد، دانشمند حلب (تذکره الحفاظ، ذهبی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۹۵۲؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، مؤسسة الرساله، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۹۶).

۱۷ - حسن بن حمزه بن علی بن عبدالله علوی حسینی طبری ابو محمد شریف، زاهد صالح \* (رجال نجاشی، رقم ۱۵۰؛ امالی مفید، ص ۸).

۱۸ - حسن بن عبدالله قطان ابو علی (امالی مفید، ص ۲۹۳).

۱۹ - حسن بن عبدالله مرزبانی (بن مرزبان خ. ل.) (امالی شیخ، جزء ۵، ج ۱، ص ۱۳۰).

۲۰ - حسن بن علی بن فضل رازی ابو علی (امالی مفید، ص ۲۹۳).

۲۱ - حسن بن محمد بن یحیی، شریف ابو محمد \* (امالی شیخ، جزء ۵، ج ۱، ص ۱۳۶) وی ساکن سوق العطش در بغداد بوده و به همین جهت عطشی نیز خوانده می شده و با حسن بن محمد عطشی متحد است<sup>۲۷</sup> و مفید از وی در ارشاد فراوان روایت می کند.

۲۲ - حسن بن احمد بن مغیره، ابو عبدالله (امالی مفید، ص ۲۳).

.....

۲۷ - نور علم، شماره ۱۱، مقاله ابوالعباس نجاشی و عصر وی، ص ۲۳، باورقی.

- ۲۳ - حسین بن علی بن ابراهیم بصری معروف به جَعَل ابو عبدالله، متکلم فقیه معتزلی \* (سرائر، ج ۳، ص ۶۴۸).
- ۲۴ - حسین بن علی بن حسین بن بابویه ابو عبدالله (اقبال، اول اعمال شهر رمضان، ص ۵).
- ۲۵ - حسین بن علی بن سفیان بزوفری (رجال شیخ، ص ۴۶۶، رقم ۲۷؛ مشیخه تهذیب و استبصار در ضمن طریق به حمید بن زیاد).
- ۲۶ - حسین بن علی بن شیبان قزوینی ابو عبدالله (مشیخه تهذیب، ص ۸۰).
- ۲۷ - حسین بن علی بن محمد تمار نحوی ابوالطیب (امالی مفید، ص ۹۶؛ اول امالی شیخ).
- ۲۸ - زید بن محمد بن جعفر تیملی (سلمی خ.ل) معروف به ابن ابی الیاس (امالی شیخ، اوائل جزء ۶).
- ۲۹ - سهل بن احمد دیباجی ابو محمد (فصول مختاره، مطبعه حیدریه، نجف اشرف، ج ۲، ص ۱۲۱) وی به سال ۳۸۰ در گذشت و شیخ مفید بر وی نماز گزارد.<sup>۲۸</sup>
- ۳۰ - طاهر شاگرد ابوالجیش مظفر بن محمد بلخی ظاهراً مکتبی به ابو یاسر، متکلم (رجال نجاشی، ص ۵۵۲؛ سرائر ج ۳، ص ۶۴۸).
- ۳۱ - عبدالله بن علی موصلی ابوالقاسم (امالی شیخ، جزء ۸، ج ۱، ص ۲۳۳).
- ۳۲ - عبدالله بن محمد ابهری ابو محمد (امالی مفید، ص ۲۴۵).
- ۳۳ - عثمان بن احمد دقاق معروف به ابن سَمَاک ابو عمرو (م ۳۴۴) (امالی مفید، ص ۳۴۰).
- ۳۴ - علی بن احمد بن ابراهیم کاتب ابوالحسن (امالی مفید، ص ۱۳۷).
- ۳۵ - علی بن بلال مهلبی ابوالحسن، دانشمند برجسته بصره (رجال نجاشی، رقم ۶۹۰؛ امالی مفید، ص ۱۰۱).

۲۸ - تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۱۲۲؛ انساب سمانی، مجلس دائرة المعارف عثمانیه، حیدرآباد، دکن، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۲۳۹؛ شذرات الذهب، ابن عماد حنبلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۳، ص ۹۶؛ لسان المیزان، ابن حجر، مؤسسة الأعلی للمطبوعات، بیروت (از چاپ حیدرآباد دکن، ۱۳۳۰)، ج ۳، ص ۳۹۱.

- ۳۶ - ابوالحسن علی بن حسین (حسن خ.ل) بصری بزّاز (امالی شیخ، جزء ۶، ج ۱، ص ۱۴۴ و جزء ۷، ص ۱۸۶).
- ۳۷ - علی بن خالد مراغی قلانسی ابوالحسن (امالی مفید، ص ۵۸).
- ابوالحسن علی بن احمد قلانسی مراغی. مذکور درامالی شیخ، جزء ۸، ص ۲۳۱ نیز می‌بایست تصحیف شده نام همین راوی باشد.
- ۳۸ - علی بن عبدالله بن وصیف ناشی صغیر، ابوالحسن، شاعر متکلم، وی در فقه بر مذهب اهل ظاهر سخن می‌گفت. (فهرست شیخ، رقم ۳۷۳).
- ۳۹ - علی بن عیسی رمانی، متکلم نحوی معتزلی، (سرائر، ج ۳، ص ۶۴۸).
- ۴۰ - علی بن مالک نحوی، ابوالحسن (امالی مفید، ص ۱۰۷).
- ۴۱ - علی بن محمد (یا حسین) بصری بزّاز، ابوالحسن. (امالی مفید، ص ۹۰، مقدمه امالی، ص ۱۰).
- ۴۲ - علی بن محمد بن حبش کاتب،<sup>۲۹</sup> ابوالحسن (امالی مفید، ص ۶۹).
- ۴۳ - علی بن محمد بن خالد میثمی، ابوالحسن (امالی مفید، ص ۱۰).
- ۴۴ - علی بن محمد رقاء، ابوالقاسم (معالم العلماء، نجف، ص ۱۱۲؛ تهران، ص ۱۰۰)
- ابن شهر آشوب سها نام وی را به همراه نام ابوجعفر بن قولویه و ابوالجیش بلخی<sup>۳۰</sup> به عنوان مشایخ مفید ذکر کرده، که با توجه به غرابت کلام وی پذیرش آن دشوار است.
- ۴۵ - علی بن محمد بن زبیر کوفی قرشی ابوالحسن (امالی مفید، ص ۱۷، ۲).

..... رتال جامع علوم انسانی

۲۹ - نام جد وی را گاه حبیش و گاه حبشی می‌خوانند، وی را گاه به جد نسبت داده علی بن حبش می‌خوانند. شیخ طوسی در ترجمه ابراهیم بن محمد تقی از شیخ (یعنی مفید) نقل می‌کند که نام پدر علی، حبش بدون یاء (نه حبشی) می‌باشد. فهرست شیخ، رقم ۷؛ قاموس الرجال، تستری، مرکز نشر کتاب، بهران، ج ۱، ص ۱۹۱

۳۰ - ابو جعفر بن قولویه تصحیف ابوالقاسم جعفر بن قولویه بوده و ذکر ابوالقاسم علی بن محمد رقاء در کنار نام ابن قولویه و ابوالجیش جزماً نادرست است چه وی اگر هم استاد مفید باشد استاد مهمی نیست که در ترجمه اش به نام آن اشاره رود؛ به هر حال ابن شهر آشوب در معالم العلماء اشتباهات زیادی دارد از جمله در همین ترجمه مفید، نامهای برخی از کتابها تکراری است (مقاله آثار شیخ مفید) و از این رو نمی‌توان کلام غریب وی را پذیرفت.

(۳۱).

۴۶- علی بن محمد نحوی، ابوالحسن (امالی شیخ، جزء ۱۴، ج ۲، ص ۲۹).  
۴۷- عمر بن محمد بن علی صیرفی معروف به ابن زینات، ابوحفص (رجال نجاشی، رقم ۱۱۵۲؛ امالی مفید، ص ۲۲).

دو عنوان محمد بن عمر زینات ابو جعفر (امالی مفید، ص ۱۳) و ابوحفص محمد بن عثمان صیرفی (امالی شیخ، جزء ۸، ج ۱، ص ۲۱۴) ظاهراً تصحیف شده همین نام می باشند<sup>۳</sup>

۴۸- محمد بن احمد شافعی ابوبکر (امالی شیخ، جزء ۲، ج ۱، ص ۵۴).  
۴۹- محمد بن احمد ثقفی ابوالطیب (امالی شیخ، جزء ۲، ج ۱، ص ۴۷).  
۵۰- محمد بن احمد بن جنید کاتب اسکافی ابو علی، متکلم فقیه (رجال نجاشی، رقم ۴۵۵؛ فهرست شیخ، رقم ۵۹۰).

شیخ مفید بر کتابی از وی که خطاب به اهل مصر و ظاهراً در دفاع از قیاس بوده، رد نوشته است. در میان آثار مفید عنوان دیگری به نام «النقض علی ابن الجنید فی اجتهاد الرأی» دیده می شود که ممکن است با کتاب فوق متحد باشد.  
۵۱- محمد بن احمد بن داود بن علی قمی، ابوالحسن، فقیه (رجال نجاشی، رقم ۱۰۴۵؛ فهرست، رقم ۵۹۲).

۵۲- محمد بن احمد بن عبدالله بن قضاة صفوانی، (فهرست، رقم ۵۸۸).  
۵۳- محمد بن احمد بن عبیدالله منصور (امالی شیخ، جزء ۶، ج ۱، ص ۱۵۵).

۵۴- شریف فقیه ابوابراهیم محمد بن احمد بن محمد بن حسین بن اسحاق ابن امام جعفر صادق (ع) (امالی شیخ، جزء ۸، آخر ص ۲۲۹).

۵۵- محمد بن جعفر بن محمد کوفی نحوی تمیمی مؤدب ابو الحسن (۴۰۲م) (امالی مفید، ص ۷۴).

۵۶- محمد بن حسن جوانی ابو عبدالله (امالی مفید، ص ۲۹).

.....  
۳۱- نور علم، شماره ۳۷، ص ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۵۴.

- ۵۷ - محمد بن حسن علوی همدانی (اقبال، ص ۳۲۳).
- ۵۸ - محمد بن حسین بن علی بن سفیان بزوفری ابو جعفر (امالی شیخ، جزء ۶، ج ۱، ص ۱۶۹).
- ۵۹ - محمد بن حسین بصیر مقرئ (شهرزوری) ابو نصر. (امالی مفید، ص ۸۹).
- ۶۰ - محمد بن حسین خلّال، ابو نصر (امالی شیخ، جزء ۷، ج ۱، ص ۱۸۵).
- ۶۱ - محمد بن داود حتمی، ابو عبدالله (امالی مفید، ص ۲۱۷).
- ۶۲ - محمد بن عبدالله شیبانی ابوالفضل (اربعین شهید اول، ح ۲۳).
- ۶۳ - محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی ابو جعفر صدوق، فقیه محدّث (فهرست شیخ، رقم ۶۹۵؛ امالی مفید، ص ۹).
- ۶۴ - محمد بن علی بن ربّاح قرشی، ابو عبدالله (امالی شیخ، جزء ۲، ج ۱، ص ۵۶).
- وی ظاهراً همان ابو عبدالله محمد بن علی بن محمد بن عمر بن ربّاح است که آخرین بازمانده بیت واقفی مذهب بنی ربّاح می باشد، نجاشی در ترجمه عموی وی احمد (رقم ۲۲۹) او را شدید العناد در مذهب خوانده است.
- ۶۵ - محمد بن عمر بن محمد بن سالم بن براء تمیمی بغدادی معروف به جعابی و ابن جعابی، ابوبکر، حافظ نامدار با حافظه‌ای شگفت انگیز و حفظ صدها هزار روایت<sup>۳۲</sup> (م ۳۵۵) (رجال نجاشی ۱۰۵۵؛ فهرست شیخ، رقم ۶۴۱؛ امالی مفید، ص ۱۴).
- از وی با عنوان ابوبکر الجعابی نیز یاد شده (رجال نجاشی، رقم ۲۵۷) و نام وی گاه به عمر بن محمد تصحیف گردیده است.<sup>۳۳</sup> (فهرست شیخ، رقم ۴۹۴).
- ۶۶ - محمد بن عمر بن یحیی علوی حسینی (م ۳۹۰) (فهرست شیخ، ص ۱۸، رقم ۵۲).

۳۲ - تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۶؛ رجال نجاشی، رقم ۱۰۵۵.

۳۳ - قاموس الرجال، ج ۷، ص ۱۶۵ و ۲۲۱؛ نور علم، شماره ۳۷، ص ۱۵۰.

۶۷ - محمد بن عمران مرزبانی ابو عبیدالله، ادیب مورخ (امالی مفید، ص ۳۹).

۶۸ - محمد بن مظفر بزّاز ابوالحسن (امالی مفید، ص ۱۱۸).

۶۹ - ابوالحسن محمد بن هارون بن موسی تلکبری (فرج المهموم، سید بن طاوس، مطبعه حیدریه، نجف، ۱۳۶۸، ص ۲۳۶).

۷۰ - مظفر بن محمد بلخی وراق خراسانی، ابوالجیش، متکلم محدث (رجال نجاشی، رقم ۱۱۳۰؛ امالی مفید، ص ۲۸۶).

نام وی گاه به صورت ابوالحسن محمد بن مظفر وراق تصحیف شده است (امالی مفید، ص ۱۸)<sup>۳۳</sup>

۷۲ - هارون بن موسی تلکبری، ابو محمد (اقبال، اول اعمال شهر رمضان، ص ۵).

در میان مشایخ وی از شهرهای مختلف چون قم، کوفه، بصره، ری، طبرستان، حلب، قزوین، بلخ، ابهر، مراغه، همدان، شهرزور دیده می شود ولی معلوم نیست که هیچ يك از روایات مفید در غیر بغداد صورت گرفته باشد.

موقعیت سیاسی بغداد در عصر شیخ مفید

با ورود احمد معز الدوله در سال ۳۳۴ (دو سال پیش از ولادت مفید) به بغداد و تأسیس شاخه ای از حکومت آل بویه در این شهر صفحه نوینی از تاریخ بغداد گشوده شد.

در این دوران از فشاری که از ناحیه خلفای عباسی به شیعیان وارد می گشت تا حدود زیادی کاسته شد و آنها توانستند در پناه تمایل آل بویه به مذهب تشیع و جو سیاسی آزاد، عقاید خویش را به دیگران ارائه دهند و در پاسداری از این عقاید با دیگران به بحث بنشینند. آنها توانستند مراسم خاص مذهبی خویش را در ایام سرور و عزا بر پا دارند.

.....

۳۴ - نور علم، شماره ۳۷، ص ۱۴۷.

سال ۳۵۲ اولین سالی بود که عزاداری علنی در سطح وسیعی در روز عاشورا و جشن و شادی و آذین بندی در روز غدیر در بغداد برگزار شد. پس از وفات معز الدوله در سال ۳۵۶، عز الدوله بختیار به امارت رسید و پس از وی با ورود عضدالدوله به بغداد در سال ۳۶۷ این شهر رونقی دوباره گرفت. عضد الدوله علاوه بر خدمات چشمگیر خود در آبادانی بغداد، با تشویق عالمان به تحقیق و تدقیق در رشته های گوناگون به رشد و اعتلاء دانش، یاری بسیار رسانید.

شیخ مفید در زمان این سلطان مقتدر و دانشمند، با جلالت میزیست<sup>۳۵</sup>، مقام علمی و منزلت اجتماعی وی بدانجا رسید که عضد الدوله در هنگام بیماری به عیادتش رفته و در منزلش از وی دیدن می نمود و شفاعتش را در حق دیگران پذیرا می شد<sup>۳۶</sup> شیخ مفید در هنگام وفات عضد الدوله تنها ۳۶ سال داشت.

پس از وفات عضد الدوله در سال ۳۷۲، صمصام الدوله (امارت تا ۳۷۶)، شرف الدوله (م ۳۷۹)، بهاء الدوله (م ۴۰۳) سلطان الدوله (امارت در عراق تا ۴۱۳) به ترتیب امارت بغداد را یا مستقیم یا به توسط وزراء و نواب خود بر عهده داشتند، مشرف الدوله آخرین امیر بویهی بود که در پاره ای از سال ۴۱۲ و سال ۴۱۳ بر امور عراق چیره گشته بود.

آغاز حیات شیخ مفید با خلافت مطیع (۳۳۴ - ۳۶۳) همراه بود، وی و پسرش عبدالکریم طائع (۳۶۳ - ۳۸۱) در مقابل امیران بویهی از خود اختیاری نداشتند. با روی کار آمدن قادر خلیفه عباسی در سال ۳۸۱ خلافت عباسی تجدید حیات یافت و از نفوذ آل بسویه سر آن کاسته شد. از این رو در سالهای پایانی عمر مفید، شیعیان از آزادی کمتری بر خوردار گشتند، بویزه در زمان نیابت حسن بن سهلان که بسیار خشن و ستمکار بود و شیخ مفید به دست او تبعید گردید.

.....

۳۵ - میزان الاعتدال، ذهبی، مطبعه عیسی البابی، قاهره، ج ۴، ص ۲۶، ۳۰؛ دول الاسلام، ذهبی، مؤسسة الأعلی، بیروت، ۱۴۰۵، ص ۲۱۶؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸.

۳۶ - العبر فی خبر من غیر، ذهبی، دارالکتاب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۳۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۲۲؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۰۰.



دوران زندگانی شیخ مفید با آشوبهای مذهبی بسیار بین شیعیان و سنیان همراه بود، برپایی مراسم روز غار و مقتل مصعب بن عمیر در دوروز خیالی - اولی هشت روز پس از عید غدیر و دومی هشت روز پس از روز عاشورا - از سوی برخی سنیان ناآگاه، گاهی به آتش فتنه دامن می زد. فتنه انگیزی عیاران، قصه خوانان، واعظان بی سواد و عامی، و آشوب طلبی سیاست پیشگان داعیه دار در برافروختن آتش آشوب نقش اساسی داشت.

متأسفانه در این تنازعات مذهبی مناطق شیعه نشین چون کرخ و باب الطاق بارها دچار آتش سوزیهای هولناک گردید.

در اواخر عمر شیخ مفید در سال ۴۰۸ قادر خلیفه عباسی به پشتگرمی محمود غزنوی به قتل و تبعید و حبس گروههای بسیاری از فرقه های مذهبی مخالف از جمله - به تعبیر مورخان رسمی سنی - رافضیان پرداخت. شرح این حوادث را در کتب تاریخی چون تجارت الامم مسکویه، منتظم ابن جوزی، کامل ابن اثیر، البداية و النهایة ابن کثیر و کتابهای دیگر و نیز کتاب آل بویه تألیف جناب آقای علی اصغر فقیهی می توان دید.<sup>۳۷</sup>

شیخ مفید در کرسی زعامت شیعه

در این دوران پر آشوب ریاست طایفه امامیه بر عهده شیخ مفید قرار گرفت. وی در حدود ۴۰ سالگی ریاست شیعیان را در فقه و کلام و حدیث بر دوش خویش داشت.<sup>۳۸</sup> آن هم در عصری پر اضطراب با موقعیت علمی و فرهنگی چشمگیر، عصری که علوم مختلف نضج گرفت و از جمله علم کلام رشد بسیاری یافت؛ چون دانشمندان هر فرقه در صدد دفاع از عقائد خود بودند، بحثها و مناظره های کلامی، رواج فراوان داشت.<sup>۳۹</sup>

.....

۳۷ - شرح و بسطی بیش از آنچه در متن گفته شد در نور علم، شماره ۳۴، ص ۱۰۰ - ۱۰۶ آمده است.

۳۸ - فهرست ابن ندیم، ص ۲۴۶؛ فهرست شیخ، رقم ۶۹۴.

۳۹ - بخصوص ببینید تاریخ آداب اللغة العربیه، جرجی زیدان، دار مکتبة الحیات، بیروت، ۱۹۸۳ م، ج ۱، ص ۵۲۹ - ۵۲۳ و نیز میر حامد حسین، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۱، ص ۲۰، ۳۶ تا ۳۸؛ نور علم، شماره ۳۳، ص ۱۳۳ - ۱۳۵.

در این هنگام شیخ مفید برای دفاع از مکتب حق به پا خاست و با تألیف و تصنیف و مناظره و تربیت شاگردان به هدایت مردمان در پرتو علوم امامان اهل بیت(ع) پرداخت.

گویند که وی تمامی کتابهای مخالفان را از حفظ نمود تا بتواند شبهه های آنها را پاسخ گوید.<sup>۴۰</sup> در خانه شیخ مفید مجلس بحثی بر پا می شد که جمله علما از مذاهب گوناگون در آن شرکت می جستند، مفید با تمامی آنها به بحث می پرداخت.<sup>۴۱</sup> حاضر جوابی، تیز هوشی، سرعت انتقال، زیرکی و علم سرشار و زبان نیکوی وی و صبر و شکیباییش در مقابل دشمن<sup>۴۲</sup> به او امکان می داد که با دانشمندان گوناگون از فرقه های مختلف از معتزله و مجبیره و زیدیه و اسماعیلیه و دیگران به مناظره بنشیند.<sup>۴۳</sup>

نمونه هایی از این مناظرات را در کتاب با ارزش فصول مختاره می بینیم که در آن اوج مرتبت و ژرفایی اندیشه و لطافت فکر مفید به روشنی جلوه گر است.

ریاست جامعه شیعه در آن عصر پر تلاطم کار بسیار دشواری بود که بر دوش مفید قرار گرفت، عصری که آشوب از هر سو آن را در بر گرفته بود و آتش آن به دامن شیخ مفید نیز رسید تا بدانجا که سه بار در سالهای ۳۹۲، ۳۹۳،<sup>۴۴</sup> ۳۹۸ و ۴۰۹ از بغداد تبعید شد. علت یا علل این تبعیدها بروشنی معلوم نیست، حادثه ای که در سال ۳۹۸ رخ داده و سر انجام به تبعید مفید انجامید از اهانت یکی از سنیان و آزردن شدن مفید به وسیله او آغازید و پس از دو ماه فتنه سر انجام عمید الجیوش نایب امیران بویهی به شیخ مفید پیغام داد که شهر را ترك کند. وی نیز شب یکشنبه ۲۳ ماه رمضان از بغداد خارج شد ولی با وساطت علی بن مزید والی واسط

۴۰ - سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴.

۴۱ - منتظم، ج ۸، ص ۱۱.

۴۲ - ابن ندیم، ص ۲۴۶؛ فهرست شیخ، رقم ۶۹۴؛ الامتاع و الموائسة، ابو حیان توحیدی ط قاهره، ج ۱ ص ۱۴۱.

۴۳ - مقدمه تهذیب، ص ۱۷ و ۱۹.

۴۴ - منتظم ابن جوزی، سال ۳۹۲، ج ۷، ص ۲۲۰؛ کامل ابن اثیر سال ۳۹۳، دار صادر و دار بیروت، بیروت، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۱۷۸.

(۴۰۸م) به بغداد باز گشت.<sup>۲۵</sup>

ابن اثیر در وقایع سال ۴۰۹ می نویسد که به ابن سهلان خبر شدت گرفتن فتنه در بغداد رسید. وی نیز به سوی آن شهر رفته در اواخر ربیع الآخر وارد آن شد، عیاران از پیش رویش گریختند، او جماعتی از عباسیان و غیر آنها و ابو عبدالله بن نعمان فقیه شیعه را تبعید کرد.

اگر این سال تبعید درست باشد مدت تبعید وی طولانی نبوده؛ زیرا وی از ابتدای ماه رمضان این سال مانند سالهای پیشین در مسجد خود به برگزاری مجلس املاء حدیث پرداخت. شاید تاریخ تبعید مفید سال ۳۰۸ بوده از این جهت او در این سال تنها دو مجلس آن هم از بیست و دوم ماه رمضان بر پا داشت.<sup>۲۶</sup> با این حال شیخ مفید در نزد خلفاء نیز از منزلتی والا برخوردار است.<sup>۲۷</sup> میزان تأثیر وی در جامعه زمان خود از دشنامهایی که ترجمه نگاران سنی بخصوص خطیب بغدادی به وی می دهد به دست می آید.<sup>۲۸</sup>

از عبارت وی بر می آید که مردمان بسیاری به دست مفید به صراط مستقیم تشیع هدایت یافته اند و این امر خشم متعصبان را برانگیخته بود. مهیار دیلمی نیز در قصیده خود در مرثیه مفید به این مطلب اشاره کرده است.

کم قد ضمنتَ لدین آل محمدٍ من شاردٍ و هدیت قلب مضللٍ  
و عقلت من رد علیهم ناشطٍ لو لم ترضه ملاطفاً لم یعقل  
در سالهای اواخر عمر مفید خلفای عباسی شهادتنامه ای را بر ضد نسب فاطمیان و در اثبات نادرستی نسب خلفای فاطمی - که خود را به خاندان پیامبر پیوند می دادند - فراهم کردند و آن را به امضاء بزرگان از علما و سادات از جمله سید مرتضی و شیخ مفید رسانیدند.<sup>۲۹</sup>

.....  
۲۵ - منتظم، ج ۷، ص ۲۳۷.

۲۶ - امالی مفید، مجلس ۲۶ - ۳۳ و مجلس ۲۴ و ۲۵.

۲۷ - سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴.

۲۸ - تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۳۱؛ النجوم الزاهرة، ابن تفری بردی، طبعة دار الکتب، وزارة الثقافة و الإرشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة للتألیف و الترجمة، ج ۴، ص ۲۵۸.

۲۹ - کامل ابن اثیر، ج ۹، ص ۲۳۶.

در اینجا مناسب می نماید که به زندگی عملی شیخ مفید نیز نگاهی بیفکنیم و از ویژگیهای روحی ممتازش زاد راه بر گیریم:

مفید از حالات معنوی خاصی برخوردار بود، صدقات وی بسیار بوده، خشوع و فروتنی قلبی نیکویی داشت، بسیار نماز می خواند و روزه می گرفت و لباس خشن در بر می کرد،<sup>۵۰</sup> تا بدانجا که وی را با لقب «شیخ مشایخ الصوفیه» خوانده‌اند.<sup>۵۱</sup>

ابو یعلی جعفری - داماد مفید - گوید: وی جز پاسی از شب در بستر نمی خفت و سپس از جا بر خاسته، نماز می خواند و یا مطالعه می کرد و یا تدریس می نمود و یا قرآن تلاوت می کرد.<sup>۵۲</sup>

سیمای ظاهری وی را چنین ترسیم کرده اند: شخصی لاغر اندام، میان قامت و گندمگون.<sup>۵۳</sup>

#### شیخ مفید در عرصه تدریس و تألیف

در بررسی زندگی شیخ مفید به شیوه خاصی در تدریس برمی‌خوریم که جالب توجه است. وی در مکتب خانه‌ها و کارگاههای بافندگی جستجو می کرد و کودکان تیز هوش و مستعد را در نظر گرفته و با دادن پولی به پدر و مادرانشان آنان را به مکتب برده، به آنها دانش می آموخت.<sup>۵۴</sup>

در این کار چند اصل آموزشی نهفته است: آغاز آموزش از کودکی، استعداد یابی، استفاده از امکانات مالی در پیشبرد امر آموزش، جستجوی تیز هوشان در مکتب خانه‌ها و کارگاههای بافندگی.

با تلاش چشمگیر وی شاگردان بسیاری در محضرش به تحصیل علم

.....

۵۰ - العبر، ج ۲، ص ۲۲۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴؛ مرآة الزمان، یاقعی، مؤسسة الأعلمی، بیروت،

۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۸ و نیز ببینید شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۰۰.

۵۱ - العبر، ج ۲، ص ۲۲۵؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۰۰.

۵۲ - لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸.

۵۳ - العبر، ج ۲، ص ۲۲۵؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۰۰.

۵۴ - سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴.

اشتغال ورزیدند.

وی کتابهای خود یا دیگران در فقه و کلام را تدریس می نمود. کتابهای برخی از نوبختیان (تنبیه از اسماعیل بن علی نوبختی و آراء و دیانات از حسن بن موسی نوبختی) و کتاب کرّ و فرّ ابن ابی عقیل در امامت از کتابهای کلامی است که وی تدریس می نمود.<sup>۵۵</sup> کتاب احکام العبید حسین بن علی بزوفری و برخی از آثار فقهی ابن قولویه از کتابهایی است که وی در فقه درس می‌داده است.<sup>۵۶</sup>

مفید آثار بسیاری (نزدیک دویست اثر) در کلام یا فقه و گاه در فنون دیگری، در دفاع از مکتب اهل بیت عصمت و بر طرف کردن شبهات مخالفان و زدودن اندیشه های نا صواب و پاسخ به پرسشهای گوناگون که از دور و نزدیک به حضورش می رسید نگاشت. فهرست آثار مفید در کتابهای چندی آمده<sup>۵۷</sup> و ما نیز در ضمن مقالی در باره آنها سخن گفتیم.

غنای آثار و استواری اندیشه و تأثیر شگرف آراء و نظرات وی در دانشمندان متأخر تا بدانجا بود که در باره وی گفته اند: «اورا بر گردن هر دانشمند و پیشوایی حقی و منتهی است»<sup>۵۸</sup> بویژه در مسئله امامت که به درستی در باره وی ذکر کرده اند که: کمتر دلیل و استدلالی می توان یافت که ریشه و اساس آن در تألیفات مفید، طرح نشده باشد.<sup>۵۹</sup> پرداختن به شرح و توضیح کامل آثار وی در حوصله این نوشتار نیست. در اینجا ما تنها به موضوعهای کلی کتابهای شیخ مفید نزدیک بدانگونه که مرحوم شیخ الاسلام زنجانی در مقدمه اوائل المقالات نوشته اند<sup>۶۰</sup> اشاره کرده و برای هر يك نمونه ای خواهیم آورد و از آثار معروفش

.....  
۵۵ - رجال نجاشی، ارقام ۶۸، ۱۰۰، ۱۴۸؛ نور علم، شماره ۳۴، ص ۱۱۲.

۵۶ - رجال نجاشی، ارقام ۱۶۲، ۳۱۸؛ نور علم، شماره ۳۴، ص ۱۱۲.

۵۷ - باره ای از این فهرستها را در نور علم شماره ۳۴، ص ۱۱۳ باورقی بنگرید.

۵۸ - لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸.

۵۹ - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۱۷.

۶۰ - اوائل المقالات، شیخ مفید، مقدمه و تعلیقات شیخ فضل الله زنجانی، ناشر: عباسقلی واعظ چرندابی، تبریز، ۱۳۷۱، ص «مد».

نیز یاد می کنیم:

الف - اصول دین و عقائد: الأركان في دعائم الدين.

ب - موضوعات خاص کلامی: الكلام في الإنسان، کتاب جوابات مسائل اللطيف من الكلام، کتاب ايمان ابی طالب... .

ج - آثاری در باب امامت و فروع آن چون: افصاح، اقسام المولى في اللسان، کتابی در اثبات امامت امیرمؤمنان(ع) از قرآن.

فصول مختاره نیز که برگزیده ای از آثار وی توسط سید مرتضی است بیشتر در باب امامت می باشد.

د - تألیفاتی در مسئله غیبت امام زمان(عج) مانند: الفصول العشرة في الغيبة. هـ تاریخ زندگانی ائمه معصومین بیشتر به شیوه کلامی مانند: ارشاد، جمل، مسار الشیعة.

و - رد برخی از متکلمان در مسائل کلامی و یا فقهی کلامی چون: الكلام على الجبائی في المعدوم، الرد على ابن کلاب في الصفات، نقض کتاب متعه ابو عبدالله بصری.

ز - رد و نقض پاره ای از کتب جا حظ چون: نقض فضيلة المعتزلة. ح - شرح و تصحیح آراء کلامی دانشمندان امامی: تصحیح الاعتقاد در شرح انتقادی اعتقادات صدوق.

ط - کتابهایی در آراء و انظار مختلف کلامی چون: اوائل المقالات في المذاهب و المختارات، این کتاب در بیان فرق بین شیعه و معتزله به رشته تحریر در آمده است.

ی - تصنیفاتی در فقه و مسائل خاص آن بخصوص مسئله اختلاف ملاك اول ماه رمضان (رؤیت و عدد). از کتب فقهی وی مقنعه - يك دوره كامل فقه - و الفرائض الشرعيه و مسألة في تحريم ذبائح اهل کتاب و لمح البرهان و مصابيح النور را در مسئله رؤیت و عدد با دو نظر مختلف می توان نام برد.

ک - آثاری در اصول فقه چون: کتاب اصول فقه که گزیده ای از آن در کنز الفوائد کراچکی به نام مختصر التذكرة باصول الفقه آمده است، النقض على ابن

جنید فی اجتهاد الرأی.

کتاب مقابس الأنوار فی الردّ علی اهل الأخبار، اگر در ردّ اهل حدیث باشد می تواند کتابی در اصول فقه باشد، ولی مراد از اهل الأخبار ممکن است مورخان باشد بنابراین کتاب به اصول فقه مربوط نخواهد بود.

ل - کتابهایی در علوم قرآن چون اعجاز قرآن و تألیف آن مانند: الکلام فی وجوه اعجاز القرآن، النصرة فی فضل القرآن.

م - کتابهایی در حدیث چون: امالی و مزار، البته کتاب اختصاص تألیف شیخ مفید نیست.<sup>۶۱</sup>

ن - کتابهایی در موضوعات مختلف دیگر چون: الرسالة المقنعة فی وفاق البغدادیین من المعتزلة لما روی عن الأئمة، مسأله فی وجوب الجنة لمن تسب ولادته الی النبی.

در پایان این بخش مناسب می بینیم که داستانی را که از مفید حکایت کرده اند و در بر گیرنده گوشه هایی از زندگی وی و احتمالاً ذکر گونه ای ناشناخته از آثار مفید و فضیلتی از دریای بیکران فضائل امیرمؤمنان علی (ع) می باشد نقل کنیم:

شیخ جعفر بن محمد دوریستی گوید: در سال ۴۰۱ در مجلس شیخ مفید در بغداد حاضر بودم که مردی از علویان آمده از تعبیر رؤیایی پرسید. شیخ پاسخ گفت. مرد علوی گفت: آیا شما علم تعبیر را نیز می دانید؟ مفید پاسخ گفت: آری من مدتی در پی این علم بودم و مرا در آن کتابهای چندی است و سپس به وی گفت: ورقه ای بردار و آنچه بر تو املاء می کنم بنویس، آنگاه مفید این ماجرا را نقل کرد:

در بغداد مردی دانشمند از اصحاب شافعی بود که کتابهای بسیاری داشت و فرزندی نداشت. هنگامی که مرگ او فرا رسید کسی را به نام جعفر دقاق فرا خواند و او را وصی خویش ساخت و بدو گفت: پس از فراغت از دفنم کتابهایم را

.....

۶۱ - بحث تفصیلی در این باره را در نور علم شماره ۴۰ و ۴۲ مقاله شیخ مفید و کتاب اختصاص بنگرید.

به بازار برده، بفروش. پس از مرگ وی کتابهایش را حراج کرده و در فلان بازار فروختند. من نیز مانند مردمانی که بدانجا رفته بودند به آن بازار رفته تا کتابهایی بخرم، از میان آن کتابها چهار کتاب در علم تعبیر خواب به صورت نسبه خریدم و رسید دادم. هنگامی که خواستم بروم جعفر دقاق به من گفت: در جاییت باش که قصه ای را در نصرت مذهبیت برایت نقل کنم، سپس تعریف کرد:

من و دوستی برای درس حدیث به نزد شخصی به نام ابو عبدالله محدث در محله باب بصره می رفتیم. او هر گاه در مورد فضایل اهل بیت روایتی نقل می نمود در آن اشکال می کرد، حتی يك روز در فضایل حضرت زهرا(س) و علی(ع) روایاتی املاء کرده و گفت: این فضایل برای علی و فاطمه چه سود که علی مسلمین را کشته و در باره حضرت فاطمه(س) نیز سخنان نا روایی گفت.

من و دوستم تصمیم گرفتیم دیگر نزد این مرد گمراه و بی دین نرویم. در همان شبی که این تصمیم را گرفتیم در عالم خواب دیدم که به سوی مسجد جامع روانم و ابو عبدالله محدث را نیز دیدم، در همان حال امیرمؤمنان را مشاهده نمودم که سوار بر مرکبی به سوی مسجد جامع در حرکت است. با خود گفتم: ای وای بر ابو عبدالله محدث که الآن حضرت گردنش را با شمشیر قطع می کند. حضرت هنگامی که نزدیکش رسید با چوبی که در دست داشت بر چشم راستش زده گفت: ای ملعون چرا من و فاطمه را دشنام می دهی؟ ابو عبدالله محدث دستش را بر همان چشم گذاشت و گفت که چرا آن را نابینا کردی؟

جعفر دقاق گوید: از خواب بیدار شدم و می خواستم به نزد دوستم بروم که دیدم او رنگ پریده در خانه ما را می زند معلوم شد که وی نیز همان خواب را دیده بود، تصمیم گرفتیم به نزد ابو عبدالله محدث برویم و این ماجرا را نقل کرده با سوگند به قرآن به وی اطمینان دهیم که داستان حقیقت دارد، شاید از آن عقیده باطل بر گردد.

به خانه ابو عبدالله محدث رفتیم، در زدیم، کتیزکی دم در آمد و گفت حالا نمی توانید وی را ببینید؛ چون او دست بر چشمش گذاشته از نیمه شب فریاد می زند که علی بن ابی طالب مرا نابینا کرد، گفتیم: در را باز کن که ما برای همین



کار آمدیم، در باز شد و ما وارد شدیم، او را در بدترین قیافه دیدیم که فریاد می‌زد و می‌گفت: دیشب علی بن ابی طالب با چوبی بر چشم زد و مرا نابینا کرد، ماجرای خواب خود را نقل کرده گفتیم: حال از نظرت بر گرد. او گفت: اگر علی بن ابی طالب چشم دیگر را هم نابینا کند او را بر ابو بکر و عمر مقدم نمی‌دارم. سه روز بعد چشم دیگر وی نیز نابینا شد. این بار نیز از او خواستیم بر گردد، او گفت: من بر نمی‌گردم علی هر چه می‌خواهد بکند. پس از يك هفته سراغ او رفتیم، خویشاوندانش را دیدیم که از دفن او بر می‌گشتند و از کینه امیرمؤمنان پسرش مرتد شده و به رومیان پیوسته است.<sup>۶۲</sup>

شگفت انگیز آن که این حادثه در زمان جنگهای صلیبی رخ نموده است. ارتداد پسر ابو عبدالله محدث نشانگر اوج پستی و تاریک باطنی است «من لم يجعل الله له نوراً فما له من نور.»

باری از این ماجرا اهتمام شیخ مفید به هدایت و فضیلت گستری و ذکر فضایل امامان(ع) در هر فرصتی بر می‌آید تا بدانجا که در پاسخ سئوالی از تعبیر خواب نیز به املاء داستان هدایتگر می‌پردازد.

#### شاگردان شیخ مفید

ابن ابی طی اشاره نموده که شاگردان مفید بسیار بوده‌اند.<sup>۶۳</sup> از انبوه شاگردان وی تنها نام اندکی در کتابهای تراجم ذکر شده است. تعداد این شاگردان هر چند بسیار نیست، ولی درخشانترین چهره‌های علمی در میان آنها دیده می‌شود.

بر جسته‌ترین و محترم‌ترین شاگرد شیخ مفید، شریف ابوالقاسم علی بن حسین موسوی معروف به سید مرتضی و علم الهدی فقیه، متکلم، ادیب، شاعر، مفسر، نقیب طالبیان و شخصیت نامدار بغداد (۳۵۵ - ۴۳۶) بوده که زعامت طایفه امامیه را پس از وی بر عهده گرفت.

شهید اول می‌نویسد: روزی مفید در مجلس درس سید مرتضی حاضر

.....  
۶۲ - الناقب فی المناقب، ص ۲۳۶.

۶۳ - سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴.

گشت، سید از جای بر خاسته او را در جای خود نشاند و در پیش رویش نشست. شیخ مفید اشاره نمود که در نزد وی درس گوید. مفید از سخن گفتن سید خوشنود می‌گشت.<sup>۶۴</sup>

داستان آغاز شاگردی سید مرتضی و برادرش سید رضی (۳۵۹ - ۴۰۶) در نزد مفید شنیدنی است، ابن ابی الحدید از سید فخارین معد موسوی نقل می‌کند که مفید شبی در عالم رؤیا دید که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در حالی که دست دو فرزندشان را گرفته بودند تشریف آورده و فرمودند: ای شیخ به این دو فقه بیاموز. مفید با تعجب از خواب بیدار می‌شود.

مفید در صبح همان شبی که این خواب را دیده بود هنگامی که روز بالا می‌آید، فاطمه بنت ناصر، مادر سید مرتضی و سید رضی را می‌بیند که دست دو فرزندش را گرفته و به منزلش آمده است. مفید به احترام او از جا برخاسته به وی سلام می‌کند. فاطمه رو به مفید کرده می‌گوید: این دو فرزند من هستند که برای آموختن فقه به نزد آورده ام، مفید از شنیدن این جمله به گریه افتاده قصه خواب را تعریف نموده و آموزش فقه آن دو را بر عهده گرفت.<sup>۶۵</sup>

نگارنده پیشتر اسلامی جمله ای از شاگردان مفید را که از لابلای کتابهای تراجم و رجال به دست آورده با شرح حال مختصری ذکر کرده بود، اکنون نیز فهرست کاملی را از شاگردان مفید ارائه می‌نماییم:<sup>۶۶</sup>

۱ - احمد بن علی بن احمد نجاشی مکنی به ابوالعباس و ابوالحسین (۳۷۲ - ۴۵۰).

۲ - احمد بن علی بن قدامه قاضی ابوالمعالی ( - ۴۸۶)

۳ - اسحاق بن حسن بن محمد بغدادی<sup>۶۷</sup>

.....

۶۴ - ریاض العلماء، افندی اصفهانی، مطبوعه خیام، قم، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۳۳.

۶۵ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، دار احیاء الکتب العربیة، مصر، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۱.

۶۶ - شاگردی بسیاری از این دانشمندان در نزد مفید را در بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۸۰، ج ۱۰۷، ص ۱۵۵ - ۱۵۶، ج ۱۰۹، ص ۴۲ - ۴۵، بنگرید.

۶۷ - لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۶، رقم ۱۰۶.

۴- جعفر بن محمد دوریستی ابو عبدالله<sup>۶۸</sup> (۳۸۰- زنده در ۴۷۳).  
۵- حسن بن علی رفی ابو محمد، وی در رمله در شوال ۲۳۳ داستان خواب  
شیخ مفید در باره حدیث غار را نقل می کند که در کنز الفوائد کراچی  
(دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۰؛ احتجاج، طبرسی، مؤسسة الأعلمی،  
بیروت، ۱۴۰۳، ص ۴۹۹- ۵۰۲) آمده است.

۶- حسن بن عنبش بن مسعود بن سالم بن محمد بن شریک رافقی ابو  
محمد<sup>۶۹</sup>

۷- حسین بن احمد بن محمد بن قطان<sup>۷۰</sup>

۸- حسین بن علی نیشابوری از راویان امالی مفید

۹- ذوالفقار بن معبد حسنی ابوالصمصام<sup>۷۱</sup>

۱۰- سالار بن عبدالعزیز دیلمی<sup>۷۲</sup>

۱۱- عبد الرحمان ابو محمد<sup>۷۳</sup> برادر راوی امالی مفید

۱۲- علی بن حسین موسوی معروف به سید مرتضی ابوالقاسم. (۳۵۵-  
۴۳۶)

۱۳- علی بن محمد دقاق ابوالحسن<sup>۷۴</sup>

۱۴- محمد بن حسن طوسی، شیخ الطائفه ابو جعفر (۳۸۵- ۴۶۰).

۱۵- محمد بن حسن بن حمزه جعفری ابو یعلی ( - ۴۶۳).

۱۶- محمد بن حسین موسوی معروف به سید رضی ابو جعفر (۳۵۹-  
.....

۶۸- فهرست شیخ منتجب الدین، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبائی، مجمع الذخائر الاسلامیه، قم ۱۴۰۴،  
ص ۶۶.

۶۹- لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۴۲، رقم ۱۱۱۸؛ نور علم شماره ۳۷، ص ۱۶۰، پاورقی و ص ۱۶۱.

۷۰- لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۶۷، رقم ۱۱۱۵.

۷۱- بحار ج ۱۰۷، ص ۱۵۶، ولی در اجازه شیخ ابراهیم قلیفه، ابوالصمصام بن معبد به واسطه شیخ طوسی از  
مفید روایت می کند (بحار ج ۱۰۸، آخر ح ۱۰۹).

۷۲- فهرست شیخ منتجب الدین، ص ۸۵، حاشیه.

۷۳- امالی مفید، آغاز مجلس هفدهم و بیستم و نیز آغاز مجلس هجدهم با سقطی در اسمش.

۷۴- زریه، آقا بزرگ طهرانی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۴۶.

- ۱۷ - محمد بن علی بن عثمان کراجکی ابوالفتح<sup>۷۵</sup> ( - ۴۴۹ )  
۱۸ - محمد بن محمد بن احمد بصروی ابوالحسن ( - ۴۴۳ )  
ظاهراً وی همان کسی است که ابوالصلاح حلبی از وی با عنوان شیخ  
ابوالحسن محمد بن محمد از مفید روایت می کند.<sup>۷۶</sup>  
۱۹ - مظفر بن علی بن حسین حمدانی ابوالفرج<sup>۷۷</sup>  
۲۰ - یحیی بن حسین بن هارون حسنی ابوطالب<sup>۷۸</sup>  
۲۱ - ابوالفوارس پسر راوی امالی مفید<sup>۷۹</sup>  
۲۲ - ابوالوفاء محمدی موصلی  
۲۳ - راوی امالی مفید  
فرزند مفید، ابوالقاسم علی هم می بایست از شاگردان وی باشد.

#### خاندان شیخ مفید

پدر شیخ مفید به شغل معلمی اشتغال داشت. ابن حجر در باره وی می نویسد: وی در واسط معلم بود و در آنجا زاده شد و در عکبری به قتل رسید<sup>۸۰</sup>. در باره خصوصیات زندگی وی جز این چیزی نمی دانیم. از مفید دو فرزند می شناسیم یکی ابوالقاسم علی و دیگری همسر ابو یعلی جعفری.

ابوالقاسم علی (متولد حدود ۳۷۰) که ظاهراً رساله مفید به فرزندش در فقه برای او نوشته شده از تلخیصی و ابوالفضل شیبانی - و شاید از پدرش نیز - روایت می کند. مردمانی از وی احادیث اندکی شنیدند و از جمله حسین بن محمد

.....

- ۷۵ - به کتاب کنز الفوائد مراجعه کنید. نیز ببینید: نابس، آقا بزرگ تهرانی، دار الکتاب العربی، بیروت ۱۳۹۱.  
۷۶ - تقریب المعارف، ص ۱۲۲.  
۷۷ - فهرست شیخ منتجب الدین، ص ۱۵۶.  
۷۸ - تاریخ طبرستان، ابن اسفندیار، کلاله خاور، تهران، ۱۳۲۱ ش، ص ۱۰۱؛ نور علم، شماره ۳۷، ص ۱۶۲.  
۷۹ - امالی مفید، آغاز مجالس ۴ - ۷، ۱۷، ۲۱، ۲۶ - ۳۱.  
۸۰ - لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸.

بن حسن بن نصر حلوانی مؤلف نزہة الناظر و نهج النجاة از او حدیث نقل می کند<sup>۸۱</sup>. وی در زمان خود در جامعه شخصیتی داشته و به لقب «حمامی» و «صاحب الحمام» ملقب بوده که ممکن است از این جهت بوده که وی کبوترهای نامه رسان به شهرها ارسال می داشته است.<sup>۸۲</sup> وی در روز یکشنبه سوم جمادی الآخره سال ۴۶۱ در گذشت.<sup>۸۳</sup>

داماد شیخ مفید ابو یعلی جعفری شریف محمد بن حسن بن حمزه جانشین شیخ مفید - ظاهراً در حیات وی در هنگامی که در درس حاضر نمی شده است - در جای وی (ظاهراً پس از مرگ وی) نشست.<sup>۸۴</sup> البته این امر به معنای ریاست طایفه امامیه نیست، بلکه تنها به مفهوم جانشینی مفید در تدریس بوده و ریاست امامیه بر دوش سید مرتضی قرار گرفت.

ابو یعلی جعفری متکلم و فقیهی توانا بود. نجاشی ۱۵ کتاب به وی نسبت می دهد که بیشتر آنها در علم کلام و به صورت پاسخ پرسش و یا با عنوان «مسألة فی...» نگاشته شده و علی القاعده می بایست به صورت رساله باشد. وی به همراه نجاشی و سالار دیلمی وظیفه غسل سید مرتضی را عهده دار گردید.<sup>۸۵</sup>

به نقل ابن حجر از ابن نجار از ابو یعلی، ابوالحسن بن هلال عمانی و ابو منصور بن احمد روایت می کنند.<sup>۸۶</sup>

ابو یعلی جعفری در روز شنبه ۱۶ ماه رمضان سال ۴۶۳ در گذشت. جنازه وی را در خانه اش در بغداد به خاک سپردند.<sup>۸۷</sup>

.....  
رتال جامع علوم انسانی

۸۱ - نزہة الناظر، فصل آخر، لمع من کلام الامام الحجة، ذیل تاریخ بغداد، ابن نجار، حیدر آباد دکن، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۶۸.

۸۲ - ذیل ابن نجار، ج ۴، ص ۶۸؛ انساب سمانی، ج ۴، ص ۲۳۳ و نیز ببینید: الوافی بالوفیات، صفدی، دار النشر، و یسبادن، ۱۳۸۱، ج ۲۲، ص ۱۳۱؛ نور علم، شماره ۳۷، ص ۱۶۶.

۸۳ - ذیل ابن نجار، ج ۴، ص ۶۸.

۸۴ - رجال نجاشی، رقم ۱۰۷۰.

۸۵ - رجال نجاشی، رقم ۷۰۸.

۸۶ - لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۲۵.

برخی برای وحید بهبهانی نسبنامه ای ذکر نموده نسب وی را به شیخ مفید رسانیده اند. دلایلی چند از جمله داستانی که سردار کابلی در باره نحوه جعل این نسبنامه حکایت می کند و عدم اشاره به انتساب وحید به شیخ مفید و کمی وسائط بین این دو در این نسبنامه، بر جعلی بودن آن گواهی می دهند و دیگر هیچ وجهی برای انتساب وحید به مفید بر جای نمی ماند.<sup>۸۸</sup>

#### توقیعات ناحیه مقدسه

إنا غير مهملين لمراعاتكم ولا ناسين لذكركم و لولا ذلك لنزل بك الأواء و اصطم الأعداء

از توقیع منسوب به امام عصر (عج)

شیخ احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی استاد ابن شهرآشوب<sup>۸۹</sup> (۴۸۹ -

۵۸۸) در کتاب احتجاج بر طبق شیوه مرسومش بدون ذکر سند دو منشور (توقیع)

را از ناحیه مقدسه امام عصر عجل الله تعالی فرجه نقل کرده است.<sup>۹۰</sup> این دو منشور

احترام فوق العاده ای را برای شیخ در بر دارد. عنوان توقیع نخست چنین است:

لأخ السدید، و الوالی الرشید، الشیخ المفید، أبی عبدالله محمد بن محمد بن النعمان

آدام الله إعزازه، من مستودع العهد المأخوذ علی العباد.

توقیع دوم نیز با این عنوان آغاز می شود:

من عبدالله المرابط فی سبیلہ إلی ملهم الحق و دلیلہ.

بنابراین توقیعات، امام عصر مفید را ولی مخلص در دین و در دوستی اهل

۸۷ - رجال نجاشی، رقم ۱۰۷۰؛ منتظم، ج ۸، ص ۲۷۱؛ کامل ابن اثیر، ج ۱۰، ص ۶۸؛ لسان المیزان، ج ۵،

ص ۱۳۵. و بحث تفصیلی در باره آنها را در مقاله «ابوالعباس نجاشی و عصر وی»، (نور علم، شماره ۱۱،

ص ۱۱ - ۱۳، شماره ۱۲، ص ۱۷ - ۲۵) ببینید.

۸۸ - زندگانی سردار کابلی، کیوان سمعی، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۶۳ ش، ص ۶۶؛ نور علم، شماره ۳۷،

ص ۱۶۲ - ۱۶۴.

۸۹ - معالم العلماء، نجف، ۲۵، تهران، ۲۱.

۹۰ - احتجاج طبرسی، النعمان، النجف الأشرف، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۱۸.

بیت، و یاری کننده وفادار خواننده و با دعا‌های رسایی او را دعا کرده است. از جمله با این دعا: «حَرَسَكَ اللهُ بِعَيْنِهِ أَلْتِي لَا تَنَامُ.» در این توقیعات از جهاد مفید با ظالمان در راه احیاء حق تجلیل شده است.

از تصریح توقیع دوم و ظاهر توقیع اول بر می آید که آنها را امام عصر املاء و برخی افراد مورد اعتماد، آن را نوشته اند. حضرت خود در آخر چند سطر به عنوان تأیید توقیع مرقوم داشته اند.

توقیع نخست در اواخر صفر ۴۱۰ به دست مفید (م ۴۱۳) رسیده است و رساننده آن گفته که آن را از ناحیه ای متصل به حجاز حمل کرده. توقیع دوم در تاریخ اول شعبان ۴۱۲ نوشته شده و در روز پنجشنبه ۲۳ ذی حجه سال ۴۱۲ (هشت ماه قبل از وفات مفید) به وی رسیده است.

در اصل صدور این توقیع برخی از دانشمندان رجال تردید کرده اند.<sup>۱۱</sup> گذشته از این بحث، در این توقیعات اخبارهایی از حوادث آینده دیده می شود که پرسشهایی را می طلبد؛ از جمله:

۱ - حادثه مهمی که در جمادی الاولی سال ۴۱۰ و پس از آن رخ داده چیست؟

۲ - نشانه آسمانی و زمینی که پدیدار گردیده و حادثه ای که در مشرق زمین رخ نموده و باعث حزن و ناراحتی می شود کدام است؟

۳ - گروهی از اسلام بیرون، که بر عراق مسلط شده و بر اثر رفتار بدشان ارزاق گران شده کیانند؟

۴ - طاغوتی که با مرگ وی گرفتاری بر طرف می شود کیست؟

۵ - داستان راحت شدن سفر حج و رفع دشواریهای آن اشاره به چه ماجرای

دارد؟

۶ - منافق پلیدی که حادثه ناگواری در حرم معظم پدید می آورد ولی به هدف

.....

۹۱ - الفوائد الرجالية، علامة بحر العلوم، مكتبة العلمين الطوسي و بحر العلوم، النجف الأشرف، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۲۰؛ معجم رجال الحديث، بيروت، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۲۰۹.

خود نمی رسد چه کسی است؟

این پرسشها - که پرسش ششم در باره توفیق دوم و بقیه آنها در باره توفیق اول است - و پرسشهای مشابه و بحثهای دیگری در باره این دو توفیق وجود دارد که نیازمند تحقیق و بررسی کامل است. آنچه در باره پرسشهای فوق به نظر می رسد آن است که این اخبارها، به حوادث چندان دوری نظر ندارد.

سؤال دوم (حادثه مشرق زمین) ممکن است به کارهای سلطان محمود غزنوی و سختگیرها و جنایاتش در باره فرق مخالف از جمله شیعیان نظر داشته باشد.

پرسش سوم شاید ناظر به اختلاف سلطان الدوله و مشرف الدوله باشد. در این ماجرا مشرف الدوله با محاصره ابن سهلان وزیر سلطان الدوله در واسط به وسیله لشکری که بیشتر از ترکان واسط فراهم کرده بود باعث گرانی ارزاق شده تا بدانجا که مردم از گرسنگی جاریان حتی سگان را می خوردند و هزاران درخت نخل به همین جهت قطع گردید. این واقعه در سال ۴۱۱ بود و در سال ۴۱۲ با پیروزی مشرف الدوله وی بر عراق چیره گشت ولی در هنگامی که وی به سوی اهواز رفت وزیر وی ابو غالب به دست دیلمیان کشته شده و سر انجام در سال ۴۱۲ بین این دو برادر صلح برقرار گردید.<sup>۹۲</sup>

بنابراین، مرگ ابو غالب ممکن است پاسخ پرسش چهارم باشد و ممکن است این پرسش در ارتباط با پرسش پنجم باشد.

برای روشن شدن این موضوع باید دانست که چندین سال بود که بر اثر فتنه و آشوب در عراق، کسی از این بلاد به حج نرفته بود. در سال ۴۱۲ محمود غزنوی در پی درخواست گروهی، لشکری برای گشودن راه حج گسیل داشت. این لشکر در فید به توسط راهزنانی از عرب محاصره شد، مذاکرات انجام شده به ثمر نرسید ولی سر انجام غلامی از سمرقندیان، رئیس راهزنان به نام جمّاز بن عدی

.....  
۹۲ - کامل ابن اثیر، ج ۹، ص ۳۱۸ - ۳۲۷.



را به قتل رسانید و در نتیجه قافله به سلامت به حج رفته و باز گشت.<sup>۹۳</sup>  
 اما در پاسخ پرسش ششم از جنایتی که یکی از باطنیان مصر در سال ۴۱۳  
 در خانه خدا مرتکب شد می توان یاد نمود: وی باگریزی سه بار به حجرالأسود  
 ضربت زده باعث ایجاد شکاف در آن شد و به پیامبر فراوان اهانت کرد و به قصد  
 تخریب خانه خدا بر آمد، ولی مردمان او را به قتل رسانیدند.<sup>۹۴</sup>

### وفات شیخ مفید

حادثه مرگ مفید در جمعه دوم یا سوم رمضان سال ۴۱۳<sup>۹۵</sup> بغداد را تکان داد. هشتاد  
 هزار تشییع کننده سوگوار در میدان بزرگ اشنان با سوز و گداز بر جنازه وی به  
 امامت سید مرتضی نماز گزارندند.<sup>۹۶</sup> کثرت جمعیت به حدی بود که میدان اشنان با  
 آن همه فراخی تنگ می نمود. در روز مرگ مفید موافق و مخالف بر وی گریستند  
 و بغداد روزی بسان آن به خود ندیده بود.<sup>۹۷</sup> پیکر پاک وی را پس از سالها که در  
 خانه اش در زیر خاک بود به کاظمین در پایین پای امام جواد(ع) در کنار قبر  
 استادش ابن قولویه انتقال دادند.<sup>۹۸</sup>

در این میان تاریک دلانی هم بودند که در مرگ وی شادی کردند و تعصب  
 کور خویش را آشکار ساختند. ابن النقیب پیر مرد ۱۰۸ ساله در مرگ مفید برای  
 تبریک و تهنیت جلوس نموده گفت: دیگر برای من اهمیتی ندارد که در چه تاریخی

.....  
 رتال جامع علوم انسانی

- ۹۳ - البدایه و النهایه، مکتبه المعارف، بیروت و مکتبه النصر، ریاض، ۱۹۶۶م، ج ۱۲، ص ۵ - ۱۱.  
 ۹۴ - منتظم، ج ۸، ص ۸؛ البدایه و النهایه، ج ۱۲، ص ۳۱؛ العبر، ج ۲، ص ۲۲۳.  
 ۹۵ - رجال نجاشی، رقم ۱۰۶۷؛ فهرست شیخ، رقم ۶۹۶؛ تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۳۱.  
 ۹۶ - رجال نجاشی، رقم ۱۰۶۷؛ میزان الاعتدال، ذهبی، دارالمعرفه، بیروت، ج ۴، ص ۳۰؛ دول الاسلام، از همو،  
 مؤسسه الأعلمی، بیروت، ۱۴۰۵، ص ۲۱۶؛ العبر، ج ۲، ص ۲۲۵؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸؛ مرآة الجنان،  
 یاقعی، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۸، ج ۳، ص ۲۸.  
 ۹۷ - رجال نجاشی، رقم ۱۰۶۷؛ فهرست شیخ، رقم ۶۹۶.  
 ۹۸ - رجال نجاشی، رقم ۱۰۶۷؛ رجال علامه حلی مشهور به خلاصه، مطبعه حیدریه، نجف، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷.  
 مجله نور علم، دوره چهارم، شماره نهم

بمیرم پس از آن که مرگ این معلّم را شاهد بودم.<sup>۹۹</sup>

مرثیه ها در مرگ مفید

شعرای بزرگ در مرگ وی مرثیه ها سرودند و تأثر و اندوه اّمّت سوگوار را منعکس کردند<sup>۱۰۰</sup> از جمله:

۱ - سید مرتضی علم الهدی با قصیده ای با این مطلع:

مَنْ عَلِيٌّ هَذِهِ السِّيَارُ أَقَامَا أَوْضَفَا مَلِيسُ عَلَيْهِ وَ دَامَا<sup>۱۰۱</sup>

۲ - ابو محمد عبدالمحسن بن محمد صوری (م ۴۱۹).

از بیتهای مرثیه وی این دو بیت است.

تَبَارَكَ مَنْ عَمَّ الْأَسْمَاءَ بِفَضْلِهِ وَ بِالْمَوْتِ بَيْنَ الْخَلْقِ سَاوِي بِعَلْبِهِ

مَضَى مُسْتَقْبَلًا بِالْعُلُومِ مُحَمَّدٌ وَ هِيَهَاتَ يَأْتِنَا الزَّمَانُ بِمِثْلِهِ<sup>۱۰۲</sup>

وی قصیده دیگری با این سرآغاز در این حادثه سروده است:

يَا لَه طَارِقًا مِنَ الْحَدِيثِ الْحَقِّ ابْنِ النُّعْمَانِ بِالنُّعْمَانِ<sup>۱۰۳</sup>

۳ - مهیار دیلمی، قصیده وی چنین می آغازد:

مَا بَعْدَ يَوْمِكَ سَلْوَةَ الْمَعْلَلِ مَنِي وَ لَا ظَفَرْتَ بِسَمْعِ مَعْتَدِلِ<sup>۱۰۴</sup>

۴ - اسحاق بن حسن بن محمد بغدادی مؤلف کتاب مثالب النواصب که قصیده

مفصلی با قافیه نون در مرثیه مفید سرود.<sup>۱۰۵</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۹۹ - تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۳۸۲.

۱۰۰ - این سروده ها را در مقاله «الغدیر فی التراث الاسلامی»، سید عبدالعزیز طباطبائی، مجله تراننا، شماره

۲۱، ص ۲۰۵ - ۲۱۹ بخوانید، مصادر این مرثیه ها در این مقال همه از آن مقاله گرفته شده است.

۱۰۱ - دیوان سید مرتضی، ج ۳، ص ۲۰۴ - ۲۰۶.

۱۰۲ - غدیر، علامه امینی، ج ۲، ص ۲۳۰.

۱۰۳ - اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۹۸.

۱۰۴ - دیوان مهیار دیلمی، ج ۳، ص ۱۰۳.

۱۰۵ - لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۶۰.